

تشبیه برجسته‌ترین ویژگی سبکی کلیله و دمنه

مریم محمودی *

چکیده

کلیله و دمنه از نمونه‌های برجسته نثر فنی فارسی است. کاربرد صنایع لفظی و معنوی و صور خیال از جمله تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه از ویژگی‌های سبکی این کتاب است. در این بین، تشبیه به عنوان مؤثرترین ابزار تخیل نقش عمده‌ای در تصویرسازی‌های این کتاب دارد. در این مقاله، تشبیه با انواع گوناگون آن در کلیله و دمنه بررسی و تحلیل شده است. تشبیه در این کتاب به صورت فشرده و گسترده به کار رفته است. وسعت دایره واژگانی مشبه به به عنوان کانون اصلی تشبیه قابل تأمل است. در کاربرد ادات تشبیه، زیبایی و آراستگی کلام، مورد توجه است. تشبیهات عقلی به حسی بیشترین بسامد را در این کتاب دارد. همچنین تشبیه مرکب و تشبیه تمثیل جایگاهی درخور تأمل در بین تصاویر تشبیهی دارد. به طور کلی، نتیجه این تحقیق بیانگر آن است که تشبیه در کتاب کلیله و دمنه در کنار سایر صور خیال ابزاری مهم و سودمند در خدمت بیان اندیشه و مفاهیم تعلیمی این کتاب است، هرچند جنبه‌های زیبایی‌شناختی این تصاویر نیز مورد نظر بوده است.

کلیدواژه‌ها: تشبیه، کلیله و دمنه، تخیل، اندیشه

مقدمه

تشبیه مؤثرترین ابزار تخیل است که باعث رسایی کلام و زمینه‌ساز ارزش بلاغی آن می‌شود و مخاطب را از حالت عادی کلام به فراز قله‌های اندیشه و عاطفه می‌کشاند. تشبیه حاصل تخیل فرهیخته و آزاد شاعر و نویسنده است که با ظرافت و دقت در امور ذهنی و غیرذهنی شباهت‌ها را احساس می‌کند و از این طریق آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به همین دلیل است که تشبیه را «ابتدایی‌ترین لوازم خیال انگیزی و هسته و مرکز اغلب خیال‌های شاعرانه» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۸۱) و «بنیاد ادبیات هندی و ایرانی» (بهار، ۱۳۷۰، ج ۲: ۲۸۱) گفته‌اند. جرجانی از تشبیه در کنار تمثیل و استعاره به عنوان اصول بزرگی یاد می‌کند که مهم‌ترین محاسن کلام را در بر گرفته‌اند (جرجانی، ۱۳۷۴: ۱۶).

از آنجا که تشبیه حلقه اتصال اندیشه و ذهنیات خالق اثر با عالم واقع است، به‌خوبی می‌تواند بیانگر تفکر و خلاقیت او باشد. از سوی دیگر، نگرش سنتی به تصویر در شعر، نقش و وظیفه آن را توضیح و آرایش و تزئین معنا می‌داند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۸۹). بر این اساس، یک تصویر شاعرانه باید روشن و واضح و در عین حال اقناع‌کننده باشد. در بین تصاویر شعری تشبیه کارآمدترین آن

به لحاظ روشنگری و توضیح و تبیین اندیشه است. علمای بلاغت نیز با توجه به این ویژگی تشبیه به ارزش و منزلت آن اشاره کرده‌اند. ابوهلال عسکری بر همین اساس تشبیه ظاهر به مخفی و مکشوف به مستور و بزرگ به کوچک را از عیوب تشبیه می‌داند (ابوهلال عسکری، ۱۳۷۲: ۳۵۳)؛ زیرا در این گونه تشبیهات، ایضاح و روشنگری به معنای واقعی وجود ندارد. تشبیه به هر شکل و به هر دلیل که استفاده شود از جمله آرایش‌های لفظی محسوب می‌شود و کلام را آراسته و مزین می‌کند. بدین ترتیب، هرچند حیطة اصلی تشبیهات بلاغی شعر است، در انواع نثر به‌ویژه نثر فنی و انواع آن نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین صور خیال به شکل گسترده از تشبیه استفاده شده است.

در نثر فنی «هدف نویسنده علاوه بر بیان مفاهیم، نشان دادن مهارت در انتخاب واژگان و تلفیق و تنظیم آنهاست» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۴۶). تعبیرات و ترکیبات مجازی در نثر فنی به منظور زینت و آرایش کلام به کار می‌رود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت «نثر مرسل وقتی در جریان تقلید از شعر به نثر مصنوع و فنی تحول یافت، بیش از همه عناصر شعری به صورت‌های خیال به‌خصوص تشبیه و استعاره و کنایه روی آورد» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۶۱). کلیده و دمنه از نمونه‌های عالی این نوع نثر به شمار می‌آید. نصرالله منشی در مقدمه این کتاب درباره روش خود چنین می‌گوید: «در جمله چون رغبت مردمان از مطالعت کتب تازی قاصر گشته است و آن حکم و مواعظ مهجور مانده بود بل که مدروس شده بر خاطر گذشت که آن را ترجمه کرده آید و در بسط سخن و کشف اشارات آن اشباعی رود و آن را به آیات و اخبار و ابیات و امثال موکد گردانیده شود تا این کتاب را که زبده چند هزار ساله است احیایی باشد و مردمان از فواید و منافع آن محروم نمانند و هم بر این نمط افتتاح کرده شد و شرایط سخن آرایبی در تضمین امثال و تلفیق ابیات و شرح رموز و اشارات تقدیم نموده آمد» (ص ۲۵).

شیوه نویسنده این کتاب «مبتنی بر ایراد صنایع لفظی از سجع و موازنه و جناس و تشبیه و تمثیل و استعاره است و اشعار پارسی و تازی و آیات و احادیث و عبارات عربی در سراسر کتاب او فراوان دیده می‌شود ولی وی هیچ‌گاه بیان معنی و مقصود را فدای صنعت‌های لفظی نمی‌کند» (مجتبایی، ۱۳۷۴: ۳۲).

همچنان که اشاره شد، کاربرد صور خیال در شکل‌گیری نثر فنی عاملی مؤثر بود. در این بین تشبیه جایگاهی خاص و قابل تأمل در کلیده و دمنه، به عنوان اولین نمونه نثر فنی دارد و همانند ابزار مهم و مسلم، در خدمت بیان اندیشه و مفاهیم اخلاقی و تعلیمی و تبیین و تحلیل آنهاست. نویسنده سعی دارد تا به کمک تصاویر شاعرانه از جمله تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز نثر این کتاب را به زبان شاعرانه نزدیک کند و از سوی دیگر سردی و خشونت آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی را در پس آن پنهان نماید. کارکرد تعلیمی این کتاب موجب می‌شود که نویسنده از همه امکانات زبانی و ادبی در این راه بهره مند شود، به گونه‌ای که همه مخاطبان از جمله «ملوک و اوساط مردم» از آن منتفع شوند. همه انواع تشبیه، به‌ویژه تشبیه تمثیل، از سویی به عینی کردن مفاهیم انتزاعی و ملموس نمودن آن کمک می‌کند و از سوی دیگر در مواجهه با مخاطبان خاص به‌ویژه بزرگان و درباریان تا حدی از صراحت کلام می‌کاهد. نصرالله منشی که از قبل مخاطبان‌اش را تعیین کرده است و به خوبی آنها را می‌شناسد در به کارگیری تشبیه به گونه‌ای عمل می‌کند که به اهداف تعلیمی خود دست یابد. تصاویر تشبیهی این کتاب در تقریر و توضیح و تأکید اندیشه‌های پیدا و پنهان آن به کار می‌رود. بنابراین آنچه این مقاله در پی آن است نه کشف نوآوری‌ها و تازگی‌های تصاویر تشبیهی بلکه نگاه به تشبیه به عنوان عنصر بلاغی غالب بر کلیده و دمنه و بررسی آن از جنبه‌های گوناگون است.

۱. تشبیه در کلیده و دمنه

در کلیده و دمنه تشبیه از موجزترین (تشبیه بلیغ) تا گسترده‌ترین شکل حضور و ظهور دارد. در تشبیه گسترده گاهی همه ارکان ذکر و گاهی وجه شبه یا ادات تشبیه یا هر دو حذف شده است. ویژگی بارز و اصلی در همه انواع تشبیه در این کتاب صراحت و وضوح و گاهی تازگی آنهاست. به طوری که می‌توان گفت نویسنده کتاب «معمولاً به تشبیهات مستعمل در زبان نمی‌پردازد یا آن را با وجه شبهی جز آنچه در عرف اهل زبان معمول و شناخته شده است به کار می‌برد» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۴۷۲).

۱.۱. ارکان تشبیه

۱.۱.۱. **مشبه به:** این رکن، کانون اصلی تشبیه و نمایانگر ابتکار و ابداع در دستگاه بلاغی است. از آنجا که وجه شبه از مشبه به اخذ می‌شد و در فهم تشبیه توجه اصلی باید بر مشبه به باشد، «درک دقیق مشبه به، جهان بینی و شخصیت و محیط هنرمند را برای ما ترسیم می‌کند و از آن می‌توان به دنیای درونی و روحی نویسنده و شاعر راه یافت» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۶۲).
وسعت دایره واژگانی مشبه به از ویژگی‌های تشبیه در کلیله و دمنه است. انسان و اوصاف او، طبیعت، حیوانات، اشیا، اجرام آسمانی، مفاهیم مجرد و انتزاعی و... به عنوان مشبه به به کار رفته است.
نمونه:

صبح به مشاطه، عقل به آتش، گور به زندان، اقبال به سایه چاه، خشم به آتش، رخسار به ایام دولت، زلف به شب‌های نکبت، فراق به شربت، ضجرت به غرقاب، نیکوکاری به میوه درخت دانش، مخالطت اخیار به کیمیای سعادت، شبهت به غبار، وهم به میدان، حسد به نقاب، امن و راحت به مرغزار، ادب به نور، فتنه به دیو، تردد و حیرت به بیابان و...
نوعی تشبیه در کلیله و دمنه وجود دارد که مشبه به آن ترکیب وصفی با یاء نکره همراه با ادات تشبیه «چون» است. این نوع تشبیه در آثار متقدم متفاوت است [رک. بهار، ۱۳۷۰، ج ۲: ۲۵۹ و تعلیقات مینوی بر کلیله و دمنه، ص ۸۲].
نمونه این نوع مشبه به:

- تو را به سبب این غربت چون غمناکی می‌بینم... (ص ۱۸۰).

- چون اندوهناکی بر کنار آب بنشست... (ص ۸۲).

۱.۱.۲. وجه شبه

وجه شبه سازنده‌ترین و مهمترین بخش یک تشبیه است که آن را «جان تشبیه» گفته‌اند (کزاری، ۱۳۸۵: ۴۷)؛ زیرا جهان‌بینی و وسعت خیال سخنور را نشان می‌دهد و نوآوری یا تقلید او را می‌نمایاند. به عبارت دیگر، تخیل شاعرانه و خلاقیت هنرمندانه در وجه شبه تجلی می‌یابد. از سوی دیگر، وجه شبه عامل مهم و اساسی در درگیر کردن ذهن مخاطب و سهیم نمودن او در آفرینش هنری است.

در کلیله و دمنه وجه شبه عموماً از احوالات انسانی، شکل، مکان، فضا، حجم و به طور کلی امور مربوط به حس بینایی و لامسه انتزاع شده است و معمولاً دریافت آن چندان دشوار نیست و حتی در مواردی که مکرر و آشنا باشد ذکر می‌شود. این امر بیشتر در جهت اطناب کلام، آرایش سخن و برای رفع ابهام است. گویا نصرالله منشی این سخن سکاکی را آویزه گوش خود داشته است که «وجه شبه باید مانند عسل شیرین و مانند نسیم لطیف و چون آب روان باشد. اجزای آن روشن، ترکیبش یقینی و محکم و ملازمت در آن راسخ و استوار باشد و در روشنی چون خورشید بدرخشد» (سکاکی، ۱۴۲۰: ۴۴۶).

در تشبیهات مفصل و بلیغ غالباً وجه شبه مفرد است؛ اما گاهی وجه شبه متعدد نیز به کار می‌رود. وجه شبه مرکب نیز به‌ویژه در تشبیهات مرکب و تمثیلی کاربرد دارد.

وجه شبه مفرد:

- مخدوم چنان باید که بسطت دل او چون دریا بی‌نهایت و مرکز حلم او چون کوه با ثبات باشد (ص ۳۲۸).

- هر که از شعاع عقل غریزی بهرمند شد و استماع سخن ناصحان را شعار ساخت اقبال او چون سایه چاه پایدار باشد نه چون نور ماه در محاق و زوال (ص ۱۹۷).

- وجه شبه متعدد:

- بی پیل سپید که شخص او چون خرمن ماه خرم و تابان و چون هیکل چرخ آراسته و گردان است... (ص ۳۵۸).

- خدمتکار سلطان در خوف و حیرت هم‌خانهٔ مار و هم‌خوابهٔ شیر است (ص ۱۱۴).
وجه شبه مرکب:
- رویی چون تهمت اسلام در دل کافران و زلفی چون خیال شک در ضمیر مؤمن (ص ۲۱۷).
وجه شبه سفیدی همراه با سیاهی و سیاهی همراه با سفیدی است.
- مزاج تو ای مکار در جمال ظاهر و قبح باطن چون شراب خسروانی نیکو رنگ و خوش بوی است که زهر در وی پاشند (ص ۲۲۴).
در تشبیهات مفصل، وجه شبه به یکی از شکل‌های زیر ذکر می‌شود:
الف - صفت مشبه:
- مفتون گشتن به جاه این دنیای فریبنده، که مانند خدعه غول و عشوه سراب است، معلوم بود (ص ۱۱۵).
ب- صفت مشبه به:
- روی وفا و آزرم چون شب تار گرداند (ص ۱۲۱).
- تعبد و تعفف در دفع شر جوشن حصین است (ص ۵۲).
برخی این صفت را که همراه مشبه یا مشبه به می‌آید «صفت هنری» می‌نامند که شاعر و نویسنده با به کارگیری آن تلاش می‌کند ویژگی مشبه یا مشبه به را بیشتر روشن کند (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴: ۹۶).
- ج - فعل:
- جمع دوستانش چون بنات‌النعش پراکنند و افواج غم و اندوه چون پروین گرد آید (ص ۱۷۴).
- اگر حمل آن بر پشت چرخ نهند چون کوه بیارآمد و گر سوز آن در کوه افتد چون چرخ بگردد (ص ۱۷۷).
د: صفت تفصیلی: «در این صورت تشبیهی به وجود می‌آید که می‌توان آن را تشبیه برتر یا تشبیه ترجیحی نامید؛ زیرا مشبه از مشبه به که متمم صفت تفصیلی است برتر است» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۶۷).
- در این نزدیکی آبیگری می‌دانم که آبش به صفا پرده‌درتر از گریهٔ عاشق است و غمازتر از صبح صادق (ص ۸۳).
- جمال حال و کمال کار مرد را نه هیچ پیرایه از عفو زیباتر و نه هیچ دلیل از اغماض و تجاوز روشن‌تر (ص ۳۰۴).
ه: وجه شبه گاهی در ارتباط با مشبه معنای استعاری دارد:
- مرغزاری است فلان جای..... زمین او چون آسمان پرستاره تابان (ص ۱۶۸).
- زمین او چون کلبه گوهرفروش به الوان و جواهر مزین است (ص ۲۵۴).
ستاره تابان و الوان جواهر استعاره از گل‌ها و گیاهان است.
- ذکر وجه شبه گاهی منجر به دو معنایی یا استخدام می‌شود. استخدام یعنی «آوردن لفظ مشترک با آوردن قراین مناسبه با معانی متعدده در آن» (شمس‌العلمای گرکانی، ۱۳۷۷: ۴۹)..
- هر محنت که پیش آید آن را چون یار دلخواه و معشوق ماه روی به نشاط و رغبت در بر گیرد (ص ۲۲۸).
در بر گرفتن برای معشوق و یار دلخواه (مشبه به) معنای حقیقی دارد اما در ارتباط با محنت (مشبه) معنای کنایی می‌یابد.
- من آن غافل نادانم..... که دم گرم تو مرا بر باد نشاند تا هوس سجاده بر روی آب افکندن پیش خاطر آوردم و چون سوخته نم داشت آتش در من افتاد (ص ۵۰).
آتش افتادن در سوخته (به) معنای حقیقی و در من (مشبه) معنای کنایی دارد.
- او را غوطی دادم که چون گنج قارون خاک خورد شد (ص ۸۸).

خاک خورد شدن در ارتباط با او (مشبه) و گنج قارون (مشبه به) دو معنای کنایی و حقیقی دارد.

کاربرد وجه شبه‌ی که دارای صنعت استخدام است نشان‌دهنده تخیل قدرتمند نویسنده و وسعت دید اوست. این نوع وجه شبه موجب فعالیت ذهنی مضاعف در خواننده و ایجاد هاله‌ای از معنا در واژه می‌شود.

۱.۱.۳. ادات تشبیه

ادات تشبیه در زیباشناسی تشبیه و تخیل شاعرانه جایگاهی درخور توجه ندارد و از عوامل «نشان‌داری هم‌نشینی» است (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۰۶). با این حال، تنوع و گستردگی آن در تشبیهات کلیله و دمنه قابل دقت و بررسی است. گویا نویسنده در به‌کارگیری ادات تشبیه نیز به زیبایی و تازگی تصاویر تشبیهی توجه داشته و در جهت جذابیت بیشتر تصاویر از آنها استفاده کرده است. در میان این ادات «چون» و «چنانکه» کاربرد بیشتری دارد. برخی دیگر از ادات عبارت‌اند از: گویی، مانند، همچنان، همچون، فعل، فعل می‌مانی و پسوند وار. کاربرد برخی از ادات در کلیله و دمنه هر چند مبتکرانه نیست ولی قابل توجه است.

- حکما مادر و پدر را به منزلت دوستان دانند و برادر را در محل رفیق و زن را به مثابت الیف شمردند و اقربا را در رتبت غریمان و دختر را در موازنه خصمان دانند (ص ۲۸۸).

- ممکن است که این سخن در لباس تصلف بر خواطر گذرد (ص ۱۷).

- این اشارت صنعت تصلف دارد (ص ۴۲۱).

- گوشت توخناق آرد قائم مقام زهر هلاهل (ص ۱۰۹).

- یکی از آن کنیزکان که در جمال رشک عروسان خلد بود (ص ۷۵).

از نظر فرشیدورد در دو جمله اخیر «قائم مقام» و «رشک» در حکم ادات تشبیهند. «تشبیه در این موارد با تأکید و اغراق توأم است. بنابراین اینگونه ادات را می‌توان ادات تأکیدی نامید» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۲۹).

بسامد تشبیهات مرسل که در آنها ادات تشبیه ذکر می‌شود در کلیله و دمنه بالاست. در مواردی نیز تصویر تشبیهی بدون ذکر ادات شکل می‌گیرد. تشبیهات بلیغ (فشرده) هم، که کاربرد زیادی در کلیله و دمنه دارند، از این دسته محسوب می‌شوند.

۱.۲. تشبیه به اعتبار طرفین و ساختار

۱.۲.۱. تشبیه حسی به حسی

این نوع تشبیهات هرچند ساده‌ترین نوع تشبیه به شمار می‌روند، ولی ارزش هنری خاص خود را دارند؛ زیرا «لازمه ایجاد آنها فعالیت ذهنی نویسنده برای برقراری ارتباط میان دوشی ظاهراً بی ارتباط است» (پورنامداریان، ۱۳۵۷: ۸۹). در کلیله و دمنه تشبیهات حسی به حسی بیشتر در تشبیه مرسل کاربرد دارد. برخی از این مشبه و مشبه به‌ها عبارت‌اند از: شاه سیارگان به عروس، خانه به قبله و کعبه، آب به گلاب، رخسار به روز، زلف به شب، زمین به کلبه گوهر فروش، هوا به طبل عطار، خرطوم به اژدها، پیل به گرد باد و سیل، گوهر به ستاره و مورچه و... برخی از تشبیهات بلیغ حسی به حسی نیز عبارت‌اند از: پرده خاک، نقاب خاک، فواره دیده و زندان دهان. بسامد این نوع تشبیه در کلیله و دمنه بسیار کم است.

به طور کلی، نصرالله منشی با خلق تشبیهات حسی صریح حوزه تجربه حسی را گسترش داده و در روابط اشیا به گونه‌ای نو تصرف کرده است. در این نوع تشبیه، بیشتر حس بینایی در انتخاب مشبه و مشبه به مؤثر بوده است.

۱.۲.۲. تشبیه عقلی به حسی

رایج‌ترین نوع تشبیه، تشبیه معقول به محسوس است، «زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به محسوس باشد، مشبه معقول به‌خوبی در ذهن مجسم و تبیین می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۶۳). همچنین «تصویر آن گاه جنبه هنری پیدا می‌کند که معقولی را به محسوس پیوند دهد» (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹).

برخی از این تشبیهات عبارت‌اند از:

معالی و خصال ملوک به قبله، حوادث زمانه به بوته و محک، مآثر ملکانه به امام و پیشوا و قبله و نمودار، صبر به پیرایه، دل به گنج، اشارت به آفتاب، دل به سرچوگان، عفو به پیرایه، دل به دریا، حلم به کوه، غم به جراحت، صفا به آینه، عقل به قاضی و... تشبیهات فشرده در کلیله و دمنه بیشتر از نوع عقلی به حسی است مانند: آتش فتنه، لباس دنائت، کسوت خیانت، درد فرقت، سوز هجرت، شربت مرگ، آتش خشم، تیغ بلا، بادیه فراق، آفتاب عدل، دام آفت، آب وصال، غبار شبهت و... از نکات قابل توجه در این تشبیهات وجود مشبه به‌های یکسان و مشبه‌های متعدد است از جمله: نقاب خاک، نقاب ظلمت، نقاب حسد، نقاب ظن، حجاب ربیت، حجاب جهل، حجاب مخافت، حجاب مجانبت، حجاب حیا، پرده شرم، پرده خاک، آفتاب عدل، آفتاب کشف، آتش شر، آتش فراق، آتش غیرت و... گاهی نیز برای یک مشبه از مشبه به‌های متعدد استفاده شده است: دیو فتنه، آتش فتنه، پرده خاک، نقاب خاک، آتش خشم، فروغ خشم، بند حیرت، بیابان تردد و حیرت، بادیه فراق، شربت فراق، درد فراق، مغناطیس جهل، هلاک جهل و...

۱,۲,۳. تشبیه حسی به عقلی

در این نوع امری حسی به امری عقلی تشبیه و موجب شدت اغراق در آن می‌شود. این نوع تشبیه در کلیله و دمنه پر بسامد نیست. از آن جمله:

- شبی چون کار عاصی روز محشر درآمد (ص ۱۱۶).

- زنی داشت روی چون حاصل نیکوکاران و... (ص ۲۱۴).

هرچند در این نوع تشبیه ذکر وجه شبه معمولاً ضروری است، از آنجا که وجه شبه در شواهد مذکور بسیار معروف و آشناست ذکر نکردن آن موجب ابهام و سردرگمی نمی‌شود.

۱,۲,۴. تشبیه مقید

این نوع تشبیه در کلیله و دمنه کاربرد زیادی دارد. در بیشتر موارد قید یا وجه شبه است یا به درک وجه شبه کمک می‌کند؛ مانند عبارات زیر:

- اکنون شمتی از محاسن عدل که پادشاهان را ثمین تر حلیتی و نفیس تر موهبتی است یاد کرده می‌شود (ص ۶).

- هر کلمه‌ای از آن او دری هرچه ثمین تر و سحری هرچه مبین تر (ص ۳۵۷).

- فراق عزیزان کاری دشوار و شربتی بدگوار است (ص ۳۶۱).

- شبی چون کار عاصی روز محشر درآمد (ص ۱۱۶).

۱,۲,۵. تشبیه مرکب

در بین حالات مختلفی که مشبه به از قبیل مفرد، مقید و مرکب می‌تواند بپذیرد، مشبه به مرکب ارزش ادبی و بلاغی خاص دارد. این نوع تشبیه که در کلیله و دمنه به وفور به کار رفته در قابل درک کردن امور انتزاعی و دشوار بسیار مؤثر است. در این نوع تشبیه گاهی مشبه مفرد یا مقید یا مرکب و مشبه به همیشه مرکب است:

- نعمت‌های این جهانی چون روشنایی برق بی‌دوام و ثبات است و با این همه مانند آب شور که هر چند بیش خورده شود

تشنگی غالب‌تر گردد و چون خمره پرشده مسموم است که چشیدن آن کام را خوش آید لکن عاقبت به هلاک کشد

(ص ۵۳).

در بیشتر موارد مشبه و مشبه به هر دو مرکب هستند:

- هر که علم بداند و بدان کار نکند به منزلت کسی باشد که مخافت راهی شناسد اما ارتکاب کند تا به قطع و غارت مبتلا

گردد یا بیماری که مضرت خوردنی‌ها می‌داند و همچنان بر آن اقدام می‌نماید تا در معرض تلف آید (ص ۴۰).

در تشبیه مرکب گاهی مشبه به کنایه است:

- هر که نصیحت و خدمت کسی را کند که قدر آن نداند چنان است که بر امید ریع در شورستان تخم پراکند و با مرده مشاورت پیوندد و در گوش کر مادرزاد غم و شادی گوید و بر روی آب روان معما نویسد و بر صورت گرمابه به هوس تناسل عشق بازد (ص ۱۰۶).

جنبه افناعی تشبیه در برخی از تشبیهات مرکب بسیار واضح است و نظر خطیب قزوینی درباره این نوع تشبیه صادق است که «تشبیه معنا را از نهان به ظهور می‌آورد. آنچه با فکر حاصل شده را با آنچه فطرتاً می‌دانیم به ما منتقل می‌کند. معنای نامانوس را آشنا و امر معقول را محسوس می‌کند» (خطیب قزوینی، ۱۴۰۰: ۳۳۱). به عبارت دیگر، در این تشبیهات تصویر ابزاری برای ایضاح و تشریح اندیشه، اثبات ادعا و ترویج اخلاق است. «چنین تصویری را که به قصد اثبات و تقریر یک معنا آفریده می‌شود تصویر اثباتی خوانده‌اند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۶۰).
نمونه این نوع تشبیه:

- ملک تا اتباع خویش را نیکو نشناسد و بر اندازه رای و رویت و اخلاص و مناصحت هر یک واقف نباشد از خدمت ایشان انتفاع نتواند گرفت و در اصطناع ایشان مثال نتواند داد، چه دانه مادام که در پرده خاک نهان است هیچ کس در پروردن او سعی ننماید چون نقاب خاک از چهره خویش بگشاید و روی زمین را زیور زمردین بست معلوم گردد که چیست، لاشک آن را بپرورند و از ثمرت آن منفعت گیرند (ص ۶۸).

در تشبیهات مرکب، وقتی از چندین مشبه به استفاده می‌شود، جنبه افناعی آن قوی‌تر به نظر می‌آید. به عبارت دیگر، هیئت مرکب از چند تصویر در تقریر حال مشبه و افناع مخاطب مؤثر واقع می‌شود. افزون بر آن، کلام رنگی از اغراق و مبالغه به خود می‌گیرد. مثال:

- شاید بود که هنر من سبب این کراهیت گشته است. چه اسب را قوت و تگ او موجب عنا و رنج است و درخت نیکو بارور را از خوشی میوه شاخها شکسته شود و جمال دم طاووس او را پرکنده و بال گسسته دارد.

و بال من آمد همه دانش من چو روباه را موی و طاووس را پر

شد ناف معطر سبب کشتن آهو شد طبع موافق سبب بستن گفتار

(ص ۱۰۳)

گسترش مشبه به که در برخی کتب بلاغی از آن به عنوان تشبیه حماسی یاد شده است (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۲۵). در تشبیه مرکب به وفور دیده می‌شود:

- علما پادشاه را به کوه بلند تشبیه کنند که در او انواع ثمار و اصناف معادن باشد لکن مسکن شیر و مار و دیگر موزیات که بر رفتن در وی دشوار است و مقام کردن میان آن طایفه مخوف (ص ۶۷).

۱،۲،۶. تشبیه تمثیل

تمثیل را حکایت یا داستان کوتاه یا بلندی گفته‌اند که فکر یا پیامی اخلاقی، عرفانی، دینی، اجتماعی، سیاسی یا جز آن را بیان می‌کند (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۷). بدین ترتیب، «تمثیل داستانی ساخت گسترده‌تری از تصویر مجازی است. یک تمثیل اخلاقی از اجزا و عناصر بسیار زیادی تشکیل شده است. کل صورت قصه با تمامی اجزایش یک طرف تصویر به حساب می‌آیند و پیام طرف دوم تصویر. قصه با تمام تشبیه‌ها و استعاره‌ها یک تصویر تمثیلی است. صورت قصه یک رسانه است برای پیام یعنی مفهوم نهفته در زیر ساخت قصه که در موازات صورت آن حرکت می‌کند و طرف دوم تصویر به حساب می‌آید» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۶). اما تشبیه تمثیل «تشبیهی است که مشبه به آن جنبه مثل یا حکایت داشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۰۴). در کلیله و دمنه این

نوع تشبیه کاربرد فراوان دارد. کارکرد تعلیمی این متن این فراوانی را توجیه می‌کند؛ زیرا «تمثیل برای توضیح و تبیین معنی به کار می‌رود و قالبی است در خدمت ادبیات تعلیمی و تمثیل با تجسم بخشیدن و تصویر کردن مفاهیم انتزاعی و عقاید دینی و اخلاقی امر آموزش به عوام و ذهن‌های مبتدی را ساده می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۷۳). تمثیل در این موارد به کارکرد اصلی خود، یعنی استدلال‌گری و اقناع‌کنندگی مخاطب، نزدیک می‌شود؛ «عبدالقاهر جرجانی و خواجه نصیر طوسی و شبلی نعمانی تا به آن حد بر خاصیت استدلال‌گری و اقناع‌کنندگی تمثیل معتقد بودند که نام این صنعت را استدلال گذاشته بودند؛ چرا که در آن از حال یک شبیه بر حال دیگر شبیه دلیل می‌سازند» (شیری، ۱۳۸۶: ۴۲).

در کلیله و دمنه داستان‌های اصلی و فرعی زیادی هست که داستان‌های کوتاه حجم بالایی در کتاب دارد. رابطه بین مشبه و مشبه به (حکایت و داستان) در اغلب موارد کاملاً مشخص و واژگان و عباراتی است از قبیل: همچنان باشد که و از نظایر و اخوات آن است که، چنان‌که، راست بدان..... مانی که، لایق بدین سیاق حکایت آن... است که، از امثال این مقدمه حکایت آن... است که، حکایت او همان مزاج دارد که. از نظر محتوا تمثیل در کلیله و دمنه از نوع اخلاقی، سیاسی و در یک مورد از نوع تمثیل رمزی است. به لحاظ صورت نیز از نوع حکایت حیوانات و حکایات انسانی است.

برای برقراری ارتباط بین طرفین تشبیه گاهی به صورت اجمالی بخشی از حکایت ذکر می‌شود و سپس صورت تفضیلی آن می‌آید:

- حکایت او همان مزاج دارد که آن مرد گفته بود که آخر موجبی هست که این زن کنجد بخته کرده به کنجد با پوست برابر می‌فروشد (ص ۱۷۱).

گاهی نیز به شخصیت اصلی داستان یا حکایت اشاره و سپس به شکل مفصل، داستان بازگو می‌شود:

- و از امثال این مقدمه حکایت آن زاهد است که..... (ص ۲۴۰).

در مواردی نیز رابطه تشبیهی کامل بین مشبه و مشبه به برقرار می‌شود، اما مشبه به در قالب حکایت گسترش می‌یابد:

- کمین غدر که از مأمّن گشایند جای گیرتر است؛ چنان‌که خرگوش به حیلت شیر را هلاک کرد. گفت چگونه؟ گفت آورده‌اند که..... (ص ۸۶).

در اغلب موارد نتیجه و پیام داستان که از آن به عنوان «روح تمثیل» یاد کرده‌اند (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۲) ذکر می‌شود. گاهی تنها قبل از حکایت به پیام آن اشاره می‌شود (ص ۸۶)؛ اما در بیشتر موارد هم قبل از حکایت و هم در پایان آن پیام و نتیجه داستان می‌آید (ص ۸۵، ۷۹، ۷۱). در مواردی نیز نتیجه‌گیری به خواننده محول می‌شود (ص ۳۹، ۴۹). در یک مورد نیز تمثیل رمزی به کار رفته که نویسنده خود، رمزگشایی کرده است (ص ۵۶). به طور کلی، روش نصرالله منشی در استفاده از تمثیل، طرح صریح یک ادعا و موضوع، نقل حکایت یا داستانی مناسب برای استدلال و اثبات آن و در اغلب موارد نتیجه‌گیری مطلوب در پایان آن است.

۱.۳. انواع تشبیه به اعتبار شکل

استفاده از انواع تشبیه در کلیله و دمنه و گوناگونی و تنوع آنها نشان از تلاش نویسنده در جهت نوآوری و خلق تصاویر تشبیهی تازه است. در بین انواع تشبیه به ترتیب تشبیه جمع، تشبیه تسویه، تشبیه مضمّر تفضیلی و تشبیه مفروق بیشتر بسامد را دارد.

۱.۳.۱. تشبیه جمع

در تشبیه جمع که به آن تشبیه تفضیلی نیز گفته‌اند (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۲۰) برای یک مشبه چند مشبه به می‌آورند. گاهی رابطه مشبه با مشبه به‌ها با یک وجه شبه ایجاد می‌شود:

- هر محنت که پیش آید آن را چون یار دلخواه و معشوق ماه روی به نشاط و رغبت در بر گیرد (ص ۲۲۸).

- از اشک بسی در و گهر بارید (ص ۱۱).

- آن را بر رای جهان‌نمای خود که **آینه فتح** است و **جام ظفر** بازاندازد (ص ۱۳۵).
گاهی نیز پیوند مشبه با مشبه به‌ها وجه شبه‌های مختلف است:

- هر کلمه‌ای از آن او **دری** هرچه ثمین‌تر و **سحری** هرچه مبین‌تر (ص ۳۵۷).

- بی پیل سپید که شخص او چون **خرمن ماه خرم** و تابان و چون **هیکل چرخ** آراسته و گردان مهد او هم **کاخی** دل‌گشای و **منظری** نزه است و هم **قلعتی** و **پناهی** منیع (ص ۳۵۹).

نویسنده با استفاده از تشبیه جمع تصویری چندبعدی مرکب از چند جزء خلق می‌کند که از سویی به تازگی و غرابت و شگفتی تصویر تشبیهی می‌افزاید و از سوی دیگر جنبه توصیفی آن را تقویت می‌کند.

۱،۳،۲. تشبیه تسویه

در این تشبیه چند مشبه را به یک مشبه به تشبیه می‌کنند. این نوع تشبیه هم در تشبیهات گسترده و هم در تشبیهات (فشرده اضافه‌های تشبیهی) دیده می‌شود:

- **تعبد** و **تعفف** در دفع شر جوشن حصین است و در جذب خیر کمند دراز (ص ۵۲).

- خواستم که حاکم این حادثه **عقل** رهنمای و **عدل** جهان‌آرای ملک باشد (ص ۳۲۹).

و تشبیهات فشرده:

انوار رشد و نجابت، شعاع اقبال و سعادت، زینت وفا و کرم، حلیت ملک و دولت، شاهین خرد و تجربت و ذکا و فطنت، ریاض امن و مسرت، عرصه فراغ و نهمت.

۱،۳،۳. تشبیه مضمّر تفضیلی

گاهی ساختار تشبیهی در جمله وجود ندارد، ولی غرض نویسنده تشبیه است (تشبیه مضمّر)، در عین حال نویسنده قصد دارد در همان رابطه پنهانی که بین مشبه و مشبه به ایجاد کرده، مشبه را بر مشبه به برتری دهد (تشبیه تفضیل). در تشبیه تفضیل نویسنده یا شاعر «نه تنها مشبه را به مشبه به ترجیح می‌دهد، بلکه همان خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب می‌نماید و جنبه منفی و حداقل کم‌خاصیتی و انفعال بدان نسبت می‌دهد و رابطه طرفین مبدل به تضاد و تقابل می‌گردد» (طالبیان، ۱۳۸۴: ۳۴). بنابراین، این نوع تشبیه از سویی نشان‌دهنده تناسی تشبیه و از سوی دیگر بیان حال مشبه و تفضیل آن بر مشبه به است.

در عبارت زیر رای ملک تلویحاً به آفتاب مانند شده، سپس نویسنده از نظر خود عدول کرده و آن را برتر از آفتاب گفته است.

- من از رای روشن ملک که آفتاب در اوج خویش چون سایه پس و پیش او دود..... (ص ۳۱۸).

و نمونه دیگر:

- توانگریچه‌ای نوخط که حور پیش جمالش سجده بردی و شیر سوار فلک پیش رخسارش پیاده شدی (ص ۴۰۹).

- در این جمله از دو جهت تشبیه تقویت شده است: اول اینکه یک مشبه به دو مشبه به تشبیه شده است و دیگر اینکه این دو مشبه به به صورت آشکار نیست و در ضمن برتری مشبه بر مشبه به‌ها نیز دیده می‌شود.

۱،۳،۴. تشبیه مفروق و تشبیه عکس

تشبیه مفروق:

نصراالله منشی برخی از حالات انسانی و تصاویر طبیعی را به گونه‌ای بیان می‌کند که در نتیجه آن تأثیر تصاویر بیشتر می‌شود و تصویر به منظور او تشخیص می‌بخشد؛ مثلاً هنگامی که می‌خواهد پادشاه را به حلم و بردباری و گشاده‌دلی توصیه کند، در غالب کمترین کلمات و به کمک دو تصویر تشبیهی چنین می‌گوید:

- محذوم چنان باید که بسطت دل او چون دریا بی‌نهایت و مرکز حلم او چون کوه با ثبات باشد (ص ۱۳۷).

تشبیه عکس:

موسیقی خوش‌آهنگ الفاظ و روانی کلمات و عبارات و توصیف زیبایی‌ها به کمک این نوع تشبیه تصویری زنده و پویا از طبیعت ارائه می‌کند. از رهگذر این نوع تشبیه نوعی مبالغه و نیرومندی در وجه شبه ایجاد می‌شود.

- متصدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی (ص ۱۵۸).

۱.۴. آرایش تشبیه

از ویژگی‌های برجسته تشبیه در کلیله و دمنه به‌کارگیری چند تصویر در کنار هم یا در تزامم با هم در یک عبارت یا جمله است. در موارد بی‌شماری تشبیهات با دیگر عوامل بلاغی در کلام از جمله استعاره، کنایه، مراعات‌النظیر و... همراه شده‌اند. این امر باعث تقویت جنبه خیالی کلام و حتی گاه موجب پیچیدگی مضمون آن می‌شود. در این شرایط «فرایند تصویرسازی چنان است که خطوط خیال در تقاطع با یکدیگر به ذهن متبادر می‌شوند، گویی چند فکر مثل اسلاید روی هم نمایش داده می‌شود و از ترکیب این عکس‌ها تصویر تازه‌ای پدید می‌آید. ذهن آدمی با این عملکرد خلاق می‌تواند دنیای مطلوب و دلخواه خویش را بیافریند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۵۳). برخی این حالت را «صور بیانی مضاعف» نامیده‌اند و در تعریف آن گفته‌اند «گونه‌ای صور خیال است که در آن یک صورت بیانی با یک صورت دیگر یا با یک آرایه بدیعی ترکیب شده و تشکیل یک صورت بیانی مضاعف را می‌دهد» (صرفی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). به هر روی، این گونه تصاویر را که در جای جای کلیله و دمنه دیده می‌شود، می‌توان انگیزه‌مندترین و جامع‌ترین نوع تصویر قلمداد کرد. گونه‌های مختلف این تصویرگری در کلیله و دمنه از این قرار است:

۱.۴.۱. تزامم تصاویر تشبیهی

گاهی در جملات این کتاب زنجیره‌ای از تشبیهات دیده می‌شود که هاله‌ای از تصاویر را ایجاد می‌کند. در اغلب موارد این تزامم تصاویر نه تنها موجب ابهام و سنگینی کلام نیست، بلکه از سویی سبب زیباتر شدن کلام می‌شود و از سوی دیگر خود به نوعی نوآوری و ابداع است. مثال:

- و مقدمات عهد و سواف موثیق را طلیعه آن کرده و حرمت هجرت و وسیلت غربت را مایه و ساقه گردانیده و بسیجیده آن شده که بر این تعبیه در صحرای مباسطت آیم و حجاب مخالفت از پیکر مراد بردارم (ص ۳۳).

۱.۴.۲. تشبیه و استعاره

در نمونه‌های زیر کاربرد تشبیه در کنار استعاره تصویرهای تودرتو و البته نه چندان پیچیده ایجاد کرده است.

- جیحون از فواره دیده می‌راند و چون ماهی بر خشکی می‌تپد (ص ۳۵۵).

- توانگر بچه‌ای نوخط که حور بهشت پیش جمالش سجده بردی و شیر سوار فلک پیش رخسارش پیاده شدی (ص ۴۰۹).

- شاه سیارگان عروس‌وار در جلوه‌گاه مشرق پیدا آمد (ص ۳۵۱).

تشخیص نیز در این کتاب گاهی در ارتباط مستقیم با تشبیه مطرح می‌شود. نمونه‌هایی از این آمیختگی در تشبیهات مضمیر دیده می‌شود.

- در آن حوالی مرغزاری بود که ماه رنگ‌آمیز از جمال صحن او نقش‌بندی آموختی و زهره مشک‌بیز از نسیم اوج او استمداد گرفتی (ص ۳۱۱).

- من از رای روشن ملک، که آفتاب در اوج خویش چون سایه پس و پیش او دود و مانند ذره در حمایت او پرواز کند، در شگفت بمانده‌ام (ص ۳۱۸).

۱.۴.۳. تشبیه و کنایه

گاهی تشبیه با کنایه همراه می‌شود. در این موارد مشبه به جنبه کنایی دارد. مثال:

- در نصیحت پادشاه سلامت طلبیدن و صحبت اشرا را دست‌موزه سعادت ساختن همچنان است که بر صحیفه کوثر تعلیق شود و کاه بیخته را به باد صرصر سپرده آید (ص ۱۳۲).

- هر که بی تأمل قدم در آن نهد برگذر سیل خوابگه کرده باشد و در تیزآب خشت زده (ص ۱۹۲).

۱.۴.۴. تشبیه و مراعات‌النظیر

تناسب یا مراعات‌النظیر از صنایع بدیعی است که همراه شدن آن با تصاویر تشبیهی علاوه بر زیبایی و آرایش کلام آن را از نارسایی و ابتذال دور نگاه می‌دارد. «معانی متناسب ممکن است برای مشبه یا مشبه به، یا وجه شبه، یا هر دو یا هر سه آنها آورده شود» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۷۹). در کلیله و دمنه هر گاه از دو یا چند تصویر تشبیهی به صورت پی‌درپی استفاده شود، معمولاً تناسب بین مشبه به‌ها دیده می‌شود.

- **بادیه فراق** او بی‌شک دور و دراز و بی‌پایان خواهد گذشت که همه عمر **کعبه اقبال** من درگاه او بوده است و عمده سعادت **عمره رعایت** او را شناخته‌ام و اگر جان شیرین را عوضی شناسمی، لیبک‌زنان احرام خدمت گیرمی و گمان چنان بود که من در سایه او چون **کبوتر** در مکه مرفه توانم زیست و در فراز صفا و مروه او پرواز توانم کرد. اکنون که خون پسرم چون **ذبایح** در حریم امن او مباح داشتند، هنوز مرا تمنی و آرزوی بازگشتن؟ (ص ۲۸۶).

در تشبیه جمع نیز گاهی تناسب در مشبه به‌ها وجود دارد. از آن جمله است:

- آن دو پیل که **صاعقه صنعت**، ابر صورت، باد حرکت‌اند. دو خرطوم ایشان چون **اژدها** که از بالای **کوه** معلق باشد و مانند **نهنگ** که از میان دریا درآویزد. در حمله چون **گردباد** مردم‌ربایند و در جنگ **بسان سیل** دمان خصم را فرو گیرند (ص ۳۵۹).

۱.۴.۵. تشبیه و تضاد

مطابق، تضاد یا طباق آن است که «کلمات ضدیکدیگر بیاورند» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۷۳). همراهی این صنعت بدیعی با تشبیه موجب آرایش و زیبایی و برجستگی تشبیه می‌شود. گاهی رابطه تضاد بین مشبه و مشبه به یا یکی از اجزای آنها وجود دارد.

- **شی** چون کار عاصی روز محشر درآمد (ص ۱۱۶).

گاهی تضاد در تشبیه جمع و بین اجزای مشبه به‌هاست:

- الحق پشت و پناه سپاه و روی بازار اتباع من بود در دیده **دشمنان** خار و بر روی **دوستان** خال (ص ۱۲۴).

در اغلب موارد تضاد در دو دستگاه تشبیهی ایجاد می‌شود:

- آب‌شکلی که **آتش** فتنه از هیبت آن مرده است. **آتش** زخمی که آب روی ملک از وی به جای مانده (ص ۳۶۱).

- رویی چون **تهمت اسلام** در دل **کافران** و زلفی چون **خیال شک** در ضمیر مؤمن (ص ۲۱۷).

در عبارت مذکور تضاد در وجه شبه نیز دیده می‌شود.

به هر حال **تلاقی دو امر یا خصیصه متضاد در تعبیری واحد و همراه و سازوار کردن آنها می‌تواند کلام را زیبا و شگفت و پویا سازد.**

۶. نتیجه

تشبیه در کلیله و دمنه از عناصر اصلی خیال‌انگیزی و مرکز ثقل تصویرسازی است. هدف اصلی نویسنده در این کتاب پرداختن به معانی و مفاهیم اخلاقی و اجتماعی است. آرایش‌های لفظی و صورت‌های خیالی نیز در همین جهت به کار می‌رود. بنابراین، می‌توان گفت هرچند سبک نوشتاری این کتاب توجه به جنبه‌های زیباشناختی تشبیه را توجیه می‌کند، هدف اصلی در به‌کارگیری آن روشنگری و ابضاح است. به همین دلیل، تشبیهات در این کتاب با وجود تعدد و تنوع و آمیختگی با آرایش‌های لفظی و معنوی و درهم‌تنیدگی تصویری از هر گونه تعقید و پیچیدگی به دور است.

منابع

۱. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله سهل (۱۳۷۲). معیارالبلاغه، ترجمه محمد جواد نصیری، تهران: دانشگاه تهران.
۲. بهار، محمدتقی (۱۳۷۰). سبک شناسی، تهران: امیر کبیر.
۳. پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴). سفر در مه. تهران: زمستان.
۴. _____ (۱۳۷۵). رمز و داستان‌های رمزی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. _____ (۱۳۵۷). نگاهی به تصویرآفرینی در مرزبان نامه، به کوشش محمد روشن، هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، تهران: بنیاد فرهنگستان‌های ایران، صص ۸۴-۱۲۷.
۶. جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴). اسرارالبلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
۷. خطیب قزوینی، جلال‌الدین محمدبن عبدالرحمن (۱۴۰۰). الايضاح فی علوم‌البلاغه، شرح و تعلیق عبدالمنعم خفاجی، بیروت: منشورات دارالکتب‌اللبنانی.
۸. خطیبی، حسین (۱۳۷۵). فن نثر در ادب پارسی، تهران: زوار.
۹. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). انواع نثر فارسی، تهران: سمت.
۱۰. رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۴). نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی، دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره پنجم، صص ۸۵-۱۰۰.
۱۱. سکاکی، ابویعقوب یوسف‌بن محمدبن علی (۱۴۲۰). مفتاح‌العلوم، تصحیح عبدالحمیدالهنداوی، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
۱۲. شمس‌العلمای گرکانی، محمدحسین (۱۳۷۷). ابداع‌البدایع، به اهتمام حسین جعفری، تبریز: احرار.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۲). بیان، تهران: فردوس.
۱۴. شیرازی، قهرمان (۱۳۷۶). تمثیل و مثل و نماد و نشانه، مجله رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۴۲.
۱۵. صرفی، محمدرضا (۱۳۸۸). صور بیانی مضاعف در شعر فارسی، مجله پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی دهقان، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۷-۱۳۲.
۱۶. صفوی، کوروش (۱۳۸۰). از زبان شفاهی به ادبیات، تهران: پژوهشگاه هنر و اندیشه اسلامی.
۱۷. طالبیان، یحیی؛ محمدی افشار، هوشنگ (۱۳۸۴). تشبیهات هنری در غزل سعدی، نشریه زبان و ادبیات فارسی کرمان، شماره ۲۲، صص ۲۷-۵۲.
۱۸. فتوحی، محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر، تهران: سخن.
۱۹. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیر کبیر.
۲۰. کروچه، بندتو (۱۳۴۴). کلیات زیبایی‌شناسی، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵). بیان، تهران: نشر مرکز.
۲۲. مجتبیایی، فتح‌الله (۱۳۷۴). رای و برهمن (گزیده کلیله و دمنه)، تهران: سخن.
۲۳. نصرالله منشی، ابوالمعالی (۲۵۳۵). کلیله و دمنه، تهران: امیر کبیر.
۲۴. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.